

تحلیلی بر فیلم «نگهبان شب» و سبک فیلم‌سازی رضامیرکریمی

یک پایان خوش ساده لوحانه

مهدی قنبر *



پیش‌بینی و یکنواخت نیست تا چه رسد به زندگی افشار آسیب‌پذیر جامعه آن‌هم با بروز مشکلات روزافزون که منجر به نابودی بنیان خانواده‌ها شده است.

الگوی غیرواقعی میرکریمی از زندگی ایرانیان امروز برای مخاطبانش باورپذیر نیست. پس نمی‌تواند بگوید فیلم‌هاش برشی از زندگی‌های روتین جامعه است. او فرسنگ‌ها از زندگی ایرانیان دور است. گویا در این جامعه زندگی نمی‌کند و درد و دغدغه‌اش از جنس مردم زمانه خودش نیست. شاید میرکریمی در فیلم‌هاش می‌خواهد زندگی ایدئال خود را برای ایرانیان و روابطشان با یکدیگر را به تصویر بکشد. از سوی دیگر در فیلم‌های میرکریمی شخصیت منفی کلاسیک نیز وجود ندارد. همه آدم‌ها از روی استیصال سر هم کلاه می‌گذارند. کارفرمای رسول فیلم «نگهبان شب» نیز به همین دلیلی رسول را درگیر ماجرای کلاه‌برداری می‌کند و در نهایت هم با وثیقه‌ای او را از زندان بیرون می‌آورد. این موضوع به چالش زندگی او تبدیل و پس از ازدواج با دختر معمار متحول می‌شود.

روایت، قصه و فیلم‌نامه‌نویسی این کارگردان مؤلف نیز چندان از شیوه درام‌نویسی تبعیت نمی‌کند. روند در فیلم «نگهبان شب» نیز همین‌گونه است. معرفی رسول به عنوان یک کارگر ساده، خوش‌دل و سوءاستفاده‌از او و وجه عشق و تحولش بسیار دم‌دستی است. عشق همواره در فیلم‌های میرکریمی نقطه عطفی است که اساس درست‌کار نمی‌کند. این کارگردان قادر نیست این عشق را به درستی و تمام و کمال به منصفه ظهور برساند و در نهایت داستان‌هایش با یک روایت مطول، بی‌سرانجام‌رها می‌شود. فیلم‌های او محتوای اسلامی و اخلاقی دارند که بیشتر حول محور خانواده می‌چرخند. عشق پسر به پدر، عشق فرزند به مادر و عشق مرد به زن که پایه اصلی شکل‌گیری یک خانواده هستند به تمامی درک نمی‌شود. وقتی در شخصیت پردازی، عاشق بودن نقش اصلی در نیاید هر آنچه در فیلم بر پایه آن بنا نهاده شده بر باد می‌رود. عاشق بودن شخصیت دختر در «یک حبه قند»، عاشق بودن رسول به همسرش در «نگهبان شب»، عاشق شدن مرد راننده در «فیلم امروز» همگی موتور محرکه داستان هستند اما میرکریمی آن را خاموش می‌کند و توقع دارد داستانش به پیش برود.

در نهایت نیز باید این نکته را در باره آثار این فیلمساز گفت که «رضامیرکریمی» اگر چه سبک و سیاق فیلم‌سازی خودش را در سال‌های اخیر مطرح کرده و متعاقب آن خود را فیلم‌سازی موفقی نامد؛ اما ویژگی‌های فیلم‌سازی‌اش در شخصیت پردازی، سناریونویسی و فیلم‌سازی ضعف‌های اساسی و بنیادین در درام‌نویسی و ساختار فیلم‌سازی دارد. از این رو تپه‌ای از ادعایی است که به آن می‌بالد.

عضو انجمن منتقدان و نویسندگان خانه سینما



در فیلم‌های میرکریمی شخصیت منفی کلاسیک نیز وجود ندارد. همه آدم‌ها از روی استیصال سر هم کلاه می‌گذارند. کارفرمای رسول فیلم «نگهبان شب» نیز به همین دلیلی رسول را درگیر ماجرای کلاه‌برداری می‌کند و در نهایت هم با وثیقه‌ای او را از زندان بیرون می‌آورد

سیر دراماتیک و ملودرام خاصی هم ندارند یک مسیر خطی ساده و چالش‌هایی به‌سادگی همان خط سیر داستان، منجر به سر بلندی، تغییر، شکل‌گیری و تولد دوباره شخصیت‌ها می‌شوند! قهرمان فیلم‌های امروز، خیلی دور خیلی نزدیک و نگهبان شب همگی از این الگو پیروی می‌کنند. به همین دلیل هم یک داستان کسل‌کننده با ریتمی کند و بدون هیچ اوج و فرودی دارند و متعاقباً عدم استقبال مخاطب را انتظار می‌کشند؛ زیرا هیچ اتفاق خاص و شگرفی در خلال داستان رخ نمی‌دهد که مخاطب را درگیر کند. داستانی‌هایی که همگی قابل پیش‌بینی هستند.

فیلم‌ساز می‌خواهد بگوید که همه اتفاق‌ها و آدم‌های خوب از دل یک زندگی ساده و آرام و تکراری شکل گرفته و متولد می‌شوند. این آدم‌ها با هم می‌خندند، گر به می‌کنند و مرگشان هم بسیار طبیعی است. مشخص نیست فیلم‌ها و قصه‌هایش آیا برشی از زندگی عادی افراد جامعه است؟ داستانی عاشقانه و عاطفی است؟ داستانی عرفانی است؟ یا رنج خوب بودن آدم‌های جامعه است؟

آیا به‌واقع زندگی‌های روتین مردم جامعه این قدر ساده، سردستی و مشکلات مردم تا این حد سطحی، نرم و قابل پیش‌بینی است؟ یعنی چالش‌های زندگی روتین مردم کوچه و بازار، مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌شان در جامعه همیشه پایان خوب و خوشی را برایشان رقم می‌زند؟ متأسفانه امروزه زندگی افشارمرغه جامعه ایرانی این قدر قابل

«نگهبان شب» جدیدترین ساخته رضا میرکریمی، فیلمی جدید به سبک و سیاق همیشگی کارهای اوست. این کارگردان همواره از یک الگوی مشخص در کارهایش تبعیت می‌کند. این الگوی شناخته‌شده اگر چه دارای ضعف و نقص‌های اساسی در شخصیت‌پردازی، سناریونویسی و قصه‌پردازی است اما از آنجایی که مدام در آثارش با تکرار بر آن‌ها تأکید دارد می‌توان گفت امروز به سبک فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی این کارگردان تبدیل شده است. نگاه فرهنگی و انسانی آثار او در قالب آموزه‌های دینی تعریف می‌شود که البته وجه دینی و ایدئولوژیک آن بسیار غالب بر دیگر وجوه آثارش است. از این رو می‌توان گفت که این وجه مهم همواره ویژگی متمایز آثار میرکریمی را تشکیل می‌دهد. نگاه دینی، اشارات خانواده، جامعه، روابط درست اجتماعی و دیگر وجوه انسانی در کارهای او پررنگ‌تر و برجسته‌تر است. در فیلم‌های مهم او مانند «یک حبه قند»، «خیلی دور خیلی نزدیک»، «امروز» و نیز فیلم جدید او «نگهبان شب» نیز می‌توان این اشارات را دید. از منظر نگاه دینی و سنتی به خانواده عنصر مهم تشکیل‌دهنده اجتماع است.

در فیلم‌های این سازنده از جمله «نگهبان شب» شخصیت‌های مثبت یک سر نوشت محتوم دارند، آن‌ها به ذات خوب هستند. آن‌ها در کوران تحولات و مسائل و مصائب زندگی قرار می‌گیرند و در نهایت نیز باید سر بلند از آن بیرون بیایند و همیشه هم پیروز می‌شوند. یک پایان خوش ساده لوحانه! خط